

بارد لایحه وکالت در مجلس اکنون ترس و تردیدهای مستمر بر کانون‌های وکلادامه یافته است

داستان پیری رنجور کانون وکلا

وکالت در تضاد قرار داشت. در گام نهم، این بار در سال ۹۲ بخشنامه به شماره ۹۲-۱۹۱۵۳۶ با امضای مدیر کل ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ابلاغ شد و طی آن مقرر شد: «به دلیل روشن بودن وضعیت قانونی و ضرورت ایجاد وحدت رویه در ثبت موسسات برابر مقررات حاکم در مورد ثبت موسسات حقوقی داشتن پروانه وکالت با مجوز از مراجع ثبتی الزامی نیست، بدین علت، سومین میهمان ناخواننده وارد جامعه وکالت شد و هر آنچه برای وکیل دادگستری حرام و موجب عقوبت انتظامی است، برای ایشان حلال و موجب کسب روزی و توسعه می‌باشد. امروزه این موسسات به‌طور افسارگسیخته‌ای در عرصه اوقعی و فضای مجازی دست به تبلیغات می‌زنند و برخلاف وکلاد که موهبت سحرآمیز تبلیغات‌بهر مهندسهستند، به واسطه این بخشنامه تاکنون سه دسته موسسه حقوقی تشکیل شده است. گروهی که موسسان آن دارای مدرک و پروانه وکالت هستند، گروه دیگر، موسساتی هستند که تأسیس کنندگان آن فاقد مدرک وکالت می‌باشند اما دانشنامه حقوقی دارند و گروه سوم که فاقد هر گونه دانش حقوقی و پروانه وکالت هستند، بدویی است که علیرغم وجود ماده ۵۵ قانون وکالت که تأسیس این موسسات را جرم و مداخله در امر وکالت می‌داند، دو دسته اخیر بدون هیچ الزام و التزامی در حال رشد و نمو می‌باشند. به نحوی که هدف خود را لغو انحصار وکلاد و امور وکالتی می‌دانند؟! و بسیاری از کارچاقان‌ها که دیرپروز با ترس و دلپهره از حکومت قانون اقدامات مخفیانه انجام می‌دادند، امروزه تحت مصونیت ناشی از این بخشنامه، در جامعه موسسه به کارهای غیرقانونی خود ادامه می‌دهند و این موکلان و مردمند که هر روزه هزینه و ضررهای ناشی از این بخشنامه کارشناسی نشده‌ها پرداخت می‌کنند.

تشیویش‌های ناشی از چند لایحه

گام دهم نیز در شکل لایوح جامع وکالت (تدوین شده از نسوی قوه مجریه و قضائیه) و طرح وکالت تنظیمی از نسوی نمایندگان برداشته شد. تشویش‌های ناشی از این لایوح بسیار جدی‌تر از گام‌های پیشین بود. اگر این لایوح عیناً تصویب می‌شد، دیگر استقلالی از وکیل و کانون وکلای باقی نمی‌ماند. این لایوح با تأسیس نهاد جدیدی به نام هیأت نظارت تمامی اختیارات و صلاحیت‌های کانون‌های وکلاد را تأثیر قرار می‌داد. هیأت‌نظارت در لایحه جامع وکالت وکالت از نسوی دولت به مجلس ارایه شده، با ۴ عضو اصلی و ۴ عضو علی‌البدل تشکیل می‌شد. دو عضو اصلی و دو عضو علی‌البدل (مجموعاً ۴ عضو) به ترتیب از نسوی قوای مجریه و مقننه تعیین می‌شدند. نه تنها نحوه انتخاب و گزینش اعضای هیأت‌مخالف اصل استقلال کانون وکیل است، بلکه اختیارات این هیأت بسیار وسیع و مداخله‌جویانه بود، به آن گونه که از این حیث نیز استقلال کانون وکیل تحت‌الشعاع قرار می‌داد. ارفغان این لایحه، دخالت در امور تقنینی کانون وکلاد، دخالت در وظایف ذاتی کانون‌ها و مداخله در امور صنفی نظیر انتخابات کانون و... بود. این هیأت با اختیارات گسترده‌ای در تشخیص صلاحیت‌ها، تطبیق شرایط اولیاد طباطن‌اخذ پروانه وکالت، صلاحیت‌ها، عضویت در کانون‌ها و تسوراعیالی وکالت و اولیاد هیأت‌مدیره کانون‌های وکلاد منحصراً مشخص و این هیأت، مرجع رسیدگی به اعتراضات اشخاص و بی‌نفع نسبت به مصوبات و تصمیمات تسوراعیالی وکالت و تصمیمات تادسراسر کانون وکلاد حیث استقلال قانون و مقررات و حقوق مکتسبه بود. اکنون نیز خانه وکلا، در اضطراب اصلاحاتی است که بر قوانین فعلی وکالت صورت خواهد پذیرفت.

عکس: بهرحون حسینی / شهروند



در گام هفتم، قانونگذار نه تنها دومین میهمان ناخواننده را به جامعه وکلاد فراخواند، بلکه موجبات موازی‌کاری و تأسیس نهادی مشابه کانون وکلاد فراهم کرد. با تصویب ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۹ وجود کانون‌های وکلاد دیده گرفته شد و همان حداقل‌های تبصره ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری که به موجب آن کانون‌ها حق تصویب‌گیری یا ارایه نظر در خصوص تعیین کارآموزان داشتند، به کار بسته‌نشده. به همین ترتیب در کانون وکلای دادگستری با استقلال نسبی، مرکز مشاوران وکلای قوه قضائیه تأسیس گردید. این تصمیم، به مایالی سنگینی بر دوش دولت نهاد، به آن گونه که طرح ادغام این مرکز با کانون‌های وکلاد جهت قرار از این وضعیت در دل لایوح جامع وکالت قرار گرفت.

تلاش نافر جام برای سلب استقلال

هر چند تصور می‌رفت، این آخرین گام برای سلب استقلال وکلاد کانون‌های وکلاد باشد ولی در هشتمین گام برخلاف قانون آیین‌نامه‌ای به تصویب رسید و حال مشوش کانون‌ها را مشوش‌تر کرد. رئیس قوه قضائیه با تصویب «اصلاح آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال

استقلال کانون کسب کرده بودند، مسترد نمود و نقطه پایانی بر شیوه انتصابی ریاست کانون بود، اما آغازی مجدد برای خدیش اصل استقلال کانون وکلا و رجعت و عقب‌گرد به قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ می‌شود. با تصویب قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ نخستین انتخابات آزاد پس از انقلاب، برای تعیین اعضای هیأت‌مدیره دوره بیستم برگزار شد. نکلت منفی این قانون که استقلال (الف) مداخله در انتخابات هیأت‌مدیره کانون: قانون‌گذار تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، عبارت‌انداز:

به موجب تبصره ۱ ماده ۴ اختیار تأیید صلاحیت نامزدهای عضویت در هیأت‌مدیره کانون‌ها به دادگاه عالی انتظامی قضات واگذار شد.

این ماده کارشناسان دفتر حمایت و خدمات حقوقی و قضائی سیسجیان اجازه یافتند تا بدون ازام به داشتن پروانه وکالت از کانون وکلاد بتوانند در کلیه مراحل دادرسی از طرف ارفاد، به‌عنوان وکیل اقدام کنند.

وضعیت ناپسایمان کانون

وضعیت ناپسایمان کانون ویلا تکلیفی ناشی از اقدامات فوق همچنان ادامه داشت تا سال ۱۳۷۶ به‌عنوان گام ششم قانونی به تصویب رسید که در عین این که حقوق از دسته رفته وکلا و کانون وکلاد که به موجب لایحه

گام چهارم، تصویب قانون «انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی» مصوب ۷ بهمن ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام بود، هر چند این قانون حقوق از دست‌رفته وکلاد برای اداره امور صنفی خود استقلال ایشان را به ارفغان نمی‌آورد، اما از باب توجه خاص و محترمانه به شأن و جایگاه وکلاد اقدامی مثبت تلقی می‌شد. خلوت این قانون با ورود نخستین میهمان ناخواننده بر سفره وکلا به تلخی گرایید. در گام پنجم، قانونگذار نخستین میهمان ناخواننده جامعه وکلاد را معرفی کرد. وکلای آزاد و رها از هر گونه تشکیلات و نظام انتظامی به موجب ماده ۴ قانون حمایت قضائی از سبسیج مصوب ۱ بهمن ۱۳۷۰ معرفی شدند. طبق این ماده کارشناسان دفتر حمایت و خدمات حقوقی و قضائی سیسجیان اجازه یافتند تا بدون ازام به داشتن پروانه وکالت از کانون وکلاد بتوانند در کلیه مراحل دادرسی از طرف ارفاد، به‌عنوان وکیل اقدام کنند.

وکلا برای استرداد حقوق از دست رفته خویش برای اداره کانون از پای ننشستند و هر از گاهی تلاش‌هایی صورت دادند. مجدداً مجلس تسورای اسلامی به‌عنوان سومین گام بر حقوق از دست رفته وکلا تأکید کرد. در همین راستا قانون نحوه اصلاح کانون‌های وکلای دادگستری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۶ مهر ۱۳۷۰ به تصویب رسید. تبصره ۴ ماده ۴ این قانون مقرر می‌داشت: «بر مهلت اجرای این قانون انتخاب هیأت‌مدیره کانون‌های وکلاد متوقف و بلافاصله پس از آن برگزار خواهد شد.»

وضعیت ناپسایمان کانون ویلا تکلیفی ناشی از اقدامات فوق همچنان ادامه داشت تا سال ۱۳۷۶ به‌عنوان گام ششم قانونی به تصویب رسید که در عین این که حقوق از دسته رفته وکلا و کانون وکلاد که به موجب لایحه

جبران خسارات مادی و معنوی حادثه‌دیدگان



شهرود حقوقی | طی دو حادثه تلخ انفجار در عراق و تصادف قطار، تعدادی از هموطنان‌مان جان خود را دست دادند و بحث پرداخت دیه آنها و جبران خسارات مادی و معنوی بازماندگان در حالی مطرح شده است که در ماه‌های حرام فرار داری و نرخ دیه در ماه‌های حرام ۲۳۴ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان تعیین شده است.

البته در این رابطه عبدالناصر همتی، مدیر عامل بی‌همه مرکز ایران، از پیگیری پرداخت بموقع دیه جبران خسارتگان و مصدومان خبر داد است. او گفت: صنعت بیمه برای حمایت از این آسیب‌دیدگان آمادگی خود را اعلام کرده و امیدوارم شرکت بیمه دانا بیمه‌گر زور کر بلا و بیمه‌ها پس از این حادثه در ادامه نیز در حده نظر کارشناسان گنذشته، در کمترین زمان ممکن نحوه پرداخت خسارت را برسربر کنند تا با انجام وظیفه بموقع بتوانیم هر همی کوچک‌برد در رنج خانواده‌های این عزیزان باشیم. همتی اضافه کرد: بیمه غرامت فوت شهیدان حادثه کر بلا و نیز بیمه مسئولیت فوت شهیدان حادثه قطار هر دو دیه کامل و معادل ۹۹۳ میلیون تومان است و مصدومان هر دو حادثه نیز مشمول بیمه هزینه پزشکی تاسقف ۵۰ میلیون تومان هستند.

این در حالی است که حادثه در ماه حرام رخ داده و انتظامی می‌رفت در پرداخت دیه به این موضوع توجه شود، اما برای پرداخت دیه سقف قرار داد یا معنوی برای بازماندگان وجود دارد یا خیر؟ عبدالصمد خرمشاهی، حقوقدان، در گفتگو با «شهرود» بیان کرد: در سوانحی که سازمان‌ها یا ارگان‌ها مسئول پرداخت دیه باشند رویه پرداخت دیه به‌گونه‌ای است که اولیایی جان‌باختگان این حادثه

پرسش و پاسخ حقوقی

عمل نیامده است تا موجهی برای اصلاح مسأله قاچاق و صلاحیت دادگاه انقلاب باشد.

در موضوع چک وعده‌دار، پیش از تصویب قانون اصلاحی در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۸۲ رأی غیابی صادر شده؛ اما به لحاظ عدم دسترس است، با معکوم‌علیه رأی به اجرا در نیامده است. با

توجه به قانون مذکور و نیز ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی چه اقدامی در این باره باید انجام شود؟

چنانچه مبنای صدور رأی غیابی چک وعده‌دار باشد، بر ارفاد اصل احصائی چک موضوع قابلیت تعقیب

اندارد. از این رو اجرای احکام در اعمال مفاد قسمت اخیر ماده ۲۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری بر بنده را برای صدور دستور مقتضی به نظر دادگاه صادر کننده رأی خواهد رساند.

در جرایم مواد مخدر که مجازات قانونی آن اعدام است، بر فرض وجود دلایل کافی برای انتساب بزه به متهم، آیا صدور قرار بازداشت موقت الزامی است؟

قانون مبارزه با مواد مخدر در مورد نحوه تأمین از متهم است وکالت است و به ناچار باید در این گونه موارد به ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مراجعه شود.

در عین حال، ماده ۳۷ قانون مبارزه با مواد مخدر نیز که قانون خاص می‌باشد، لازم‌الاجراست.

آیا اتهام خیانت در امانت و شهادت کذب با لحاظ جرم به عمل می‌آید و مقرراتی که خلاف این امر را تصریح کند، وجود ندارد.

عنایت به مواد ۳ و ۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و ماده ۱ قانون مرتکبین قاچاق جزو مصولات قاچاق و در صلاحیت دادگاه انقلاب است یا خیر؟

در موارد ۱ و ۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع هیچ گونه از محصول شیره و آنتور به

درادامه

عکس: بهرحون حسینی / شهروند